بسم الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته]

در جلسات قبل بیان شد که در تعیین حکم فرض مورد بحث که شخص در اثناء نماز ملتفت به انحراف از قبله شود -انحراف کثیر 90 درجه یا بیشتر- درحالیکه اگر نمازش را قطع کند دیگر تمکن از درک نماز در وقت را ولو به اندازه یک رکعت ندارد، سه مطلب دخیل در تعیین حکم بودند و مطلب اول و دوم بحث شده است و مطلب سوم باقی است.

# [عنصر سوم:اهمیت و ترجیح رعایت وقت بر رعایت استقبال قبله در مورد تزاحم]

این بحث دارای دو جهت است یکی بحث از جهت کبروی و دیگری بحث از جهت صغروی:

1. بحث کبروی: آیا رعایت وقت بر رعایت استقبال قبله ترجیح دارد یا نه؟
2. بحث صغروی: آیا فرض مورد بحث از موارد تزاحم است یا خیر ؟

## [بحث کبروی]

از جهت کبروی شکی در این نیست که وقت بر قبله ترجیح دارد و مرحوم محقق همدانی در این مورد فرمودند اشتراط استقبال قبله اختصاص به صورت تمکن از رعایت وقت دارد.؛ مرحوم اقای خویی نیز دراین مقام این اختصاص و ترجیح را قبول دارد و این رعایت قبله را مختص حال تمکن می دانند و دلیل این اختصاص به حال تمکن و عدم شرطیت قبله در حال عدم تمکن در جلسه قبل از مصباح الفقیه بیان شده است که مثال شخصی که روی تخت بیمارستان است و خودش استطاعت توجه به قبله را ندارد و در این موارد یقین و علم داریم که درصورت عدم استقبال قبله این طور نیست که شارع از او نماز در وقت را نخواسته باشد بلکه شارع مقدس از او هم با انحراف از قبله، باز نماز در وقت را مطالبه دارد. لذا از نظر کبروی در دوران بین رعایت وقت و استقبال قبله ترجیح با وقت است و همه این را مسلم می دانند.

## [بحث صغروی]

تمام نزاع در این است که آیا محل بحث از موارد تمکن مکلف از استقبال قبله در وقت است تا استقبال قبله به شرطیتش باقی باشد یا اینکه مانحن فیه از موارد عدم تمکن و از موارد تزاحم بین رعایت وقت و رعایت قبله است و تمام بحث در صغری مقام است.

مرحوم محقق همدانی قائلند که این مورد از موارد تزاحم بین رعایت وقت و رعایت استقبال قبله است و عبارت ایشان در مصباح الفقیه این است که مورد از موارد عدم تمکن است :

 « و لو ضاق الوقت عن الاستئناف و لو بأداء ركعة، استقام و مضی في صلاته حتّی مع الاستدبار، لكن بشرط أن يكون المضيّ‌ في الصلاة موجبا لإدراك الوقت و لو بركعة حيث يدور الأمر حينئذ بين الإخلال بالوقت أو القبلة و قد أشرنا آنفا إلی اختصاص شرطيّة الاستقبال بصورة التمكّن منه مع رعاية الوقت »[[2]](#footnote-2)

اقای خویی فرموده است که از نظر کبروی قبول داریم که استقبال قبله مختص حال تمکن است ولی مختار ما این است که در مانحن فیه شخص تمکن از رعایت قبله در وقت را دارد و از موارد تزاحم نیست ولو استقبال قبله مختص حال تمکن است مثلا وقتی تا اخر وقت چهار دقیقه و سی ثانیه وقت باقی مانده است و مکلف مشغول نماز شد، او تمکن از استقبال قبله را داشته است و حال اینکه به خیال اینکه قبله این طرف است نماز به سمت خطا گزارده است ولی این شخص به خاطر اشتباه نماز را به غیر قبله خوانده است و اینجا معذور بود در اشتباهی که انجام داده است و نماز را در چهار دقیقه و نیم معذور بوده است ولی این عذر از مصادیق عذر مستوعب در وقت نیست و عذر مستوعب در وقت مربوط به جایی است که انکشاف خلاف خارج از وقت اتفاق بیفتد درحالیکه در محل بحث، انکشاف خلاف در وقت اتفاق افتاده است و آنچه موجب سقوط اشتراط قبله است عذر مستوعب در وقت است ولی عذر مستوعب در مقام محقق نیست زیرا که قبل خروج وقت کشف خلاف شده است لذا مورد از موارد تزاحم بین وقت و رعایت قبله نیست و اگر شخص در عذری که داشت عذر مستوعب بود این عذر مستوعب موجب سقوط شرط می شد ولی چون استیعاب عذر ندارد شرطيت استقبال قبله باقی است و ادله در مقام جاری می شود؛ و وجهی برای سقوط تکليف به رعايت استقبال قبله درنماز نيست .

### [اشکال به اقای خویی]

ولی همانطور که در موارد انکشاف خلاف در خارج وقت مثل اقای خویی قبول دارد که مصداق عذر مستوعب است ، ما نحن فیه نیز از موارد عذر مستوعب است ؛هرچند تمکن واقعی به حسب 30 ثانیه وقت باقیمانده موجود است ولی مورد از موارد عذر مستوعب است و اشکال به اقای خویی این است که عذری که برای مکلف پیدا شده مستوعب است زیرا اگر چه به دقت عقلیه این عذر تا اخر وقت وجود ندارد و تا 30 ثانیه قبل از اتمام وقت ادامه دارد ولی فرض اين است که شخص در وقتی که باقی مانده نمی تواند نماز را در وقت با رعايت استقبال انجام دهد حتی به اندازه يک رکعت .

 قبلا هم توضيح داده شد که نکته عدم اعاده در انکشاف در خارج وقت که از روایات استفاده می شود این است که مکلف نمی تواند با رعایت استقبال قبله، اعاده کند حتی به اندازه یک رکعت، این نکته در محل بحث جاری است و از فرمایشات مرحوم همدانی استفاده می شود که نکته مذکور در محل بحث وجود دارد و لذا عذر فرد عذر مستوعب است همانطور که محقق همدانی فرموده است :

«لأنّه كان معذورا حال الفعل من الاستقبال، و قد استوعب عذره الوقت حيث لا يتمكّن من إعادته أداء فعليه المضيّ‌ في صلاته » [[3]](#footnote-3)

 در محل بحث، وقتی مکلف متوجه انحراف شد دیگر نمی تواند یک رکعت را درک کند لذا دیگر نکته تمکن از اعاده وجود ندارد ، اگر قبول کردید که در عذر مستوعب اعاده واجب نیست ، مانحن فیه از موارد عذر مستوعب خواهد بود.

### [نتیجه بحث در عنصر سوم]

نتیجه بحث در مطلب ثالث این شد که محل بحث از صغریات تزاحم رعایت وقت و رعایت استقبال قبله است و چون رعایت وقت مقدم است و رعایت استقبال قبله اختصاص دارد به جایی که شخص تمکن از درک اعاده صلات داشته باشد لذا حکم همان نظر اقای حکیم و مرحوم امام خواهد بود وشخص باید در ادامه نماز خودش را متوجه قبله کند و انجه از رکعات قبلی نیز منحرف بوده است نافذ و صحیح است .

# [جمع بندی حکم قسمت دوم از صورت ثالثه]

در این بحث دو دلیل بر مضی و استدامه وجود داشت .

* دلیل اول: روایات باب 11 مورد بحث را به اطلاق لفظی یا مناسبت حکم و موضوع ما نحن فیه را شامل می شود به خلاف موثقه عمار که فرض مورد بحث را شامل نمی شود .
* دلیل دوم: اگر روایات باب 11 و موثقه عمار مورد را شامل نشود یا هر دو شامل شود و هر دو تعارض کنند و تساقط کنند در مقام از باب تزاحم بین رعایت وقت و رعایت قبله و ترجیح رعایت وقت بر رعایت قبله با تقریب مذکور در مصباح الفقیه، وظیفه مکلف استدامه نماز و توجه به قبله در ادامه نماز است .

# [قسمت سوم از کلام مرحوم سيد در صورت سوم ]

در موارد انحراف کثیر درجایی که از روی خطای دراجتهاد گفتیم بین انکشاف خارج و داخل وقت تفصیل می دهیم و در داخل وقت یجب الاعاده و درخارج لایجب ؛ولی اگر انحراف از قبله از روی جهل یا نسیان یا غفلت باشد؛ نه از جهت خطای در اجتهاد؛ مرحوم سید فرموده است دراین عناوین ثلاثه چه انکشاف خلاف در وقت چه خارج وقت باید اعاده کند:

«و إن كان جاهلا (١) أو ناسيا أو غافلا فالظاهر (٢) وجوب (٣) الإعادة (٤) في الوقت و خارجه»

## [جمع بندی تعلیقات بر عروه]

در مقابل فتوای سید که در هر سه عنوان هم اعاده در وقت و هم در خارج وقت لازم است ، اعلام در تعلیقه شان به عروه دو دسته اند:

1) عده ای در جاهل به حکم این فتوای سید را قبول دارند ولی در غیر جاهل به حکم که جاهل به موضوع و نسیان و غفلت باشد ، فرمودند دراین موارد همانی که در خطای اجتهاد گفته شده است دراینجا نیز جاری است مثلا مرحوم نایینی فرموده است : «إذا كان جاهلا بالحكم فالأقوى عدم معذوريّته مطلقا. (النائيني).» یا اقای حکیم فرموده است «\* في عموم الحكم لناسي الموضوع و الغافل عنه إشكال، و إن كان أحوط. (الحكيم).» یا اقای خویی فرموده است «لا يبعد عدم وجوب القضاء في غير الجاهل بالحكم. (الخوئي).»

2) دسته دوم از اعلام فرمودند که در مورد این عناوین ثلاثه ( حتی در جاهل به حکم ) همان تفصیلی که در خطای در اجتهاد گفته شده است ، آن تفصیل اینجا نیز جاری است و وجوب قضاء دراینجا محل اشکال است نکته ای که در خطای اجتهاد وجود داشت و موجب تفصیل بین انکشاف داخل و خارج وقت هست در اینجا نیز جاری است مثل مرحوم حائری تعلیقه زده اند «\* في لزوم القضاء تأمّل، و إن كان أحوط. (الحائري).» و مرحوم اقای گلپایگانی فرموده اند فتوای سید در حد احتیاط خوب است «علی الأحوط. (محمد رضا الگلپايگاني).» و مرحوم امام فرموده است که « بل الظاهر عدم وجوبها خارج الوقت، و إن كان الأحوط الإعادة. (الخميني). » و مرحوم کاشف الغطاء نیز در تعلیقه این را توضیح داده اند و قائل به تفصیل شده اند.[[4]](#footnote-4)

## [بررسی مناشی اختلاف در اقوال]

مقتضی ادله عامه -همان ادله شرطیت استقبال قبله و حدیث لاتعاد- این است که چه در انکشاف خلاف داخل وقت و چه خارج وقت باید نماز را اعاده کند لذا نماز باطل است لکن نزاع در این جا در این است که اطلاقاتی که در مورد خطای در اجتهاد که دلالت بر تفصیل بین انکشاف داخل و خارج وقت داشت ، آیا آن روایات اطلاق دارند و این عناوین ثلاثه -جهل ، غفلت و نسیان- را شامل می شوند؟ و آیا در مقابل اطلاق، مقیدی وجود ندارد یا اینکه اطلاق ندارند و مختص فرض خطای در اجتهاد است یا اینکه اگر اطلاق دارند در مقابل اطلاق مقیدی در میان است که موجب اختصاص به فرض خطای در اجتهاد می شود ، و اگر اطلاق دارد شامل همه عناوين ثلاثه است است یا اینکه تنها شامل بعضی از این سه عنوان است لذا :

 - مقام اول: دلیل دال بر تفصيل دارای اطلاق است یا خیر؟!

 - مقام دوم: آیا مقیدی در بین وجود دارد یا خیر؟!؟

### [بررسی مقام اول: اطلاق روایات]

روایات باب 11 مختلفند و در برخی از این روایات عناوینی ذکر شده است که شامل سه عنوان مذکور نمی شود؛ مثلا :

* در دسته ای از روایات ذکر شده است که شخص در روز ابری و یوم غیم یا یوم سحاب قبله را اشتباه کرده است مثلا در روایت یعقوب بن یقطین یا صحیحه سلیمان بن خالد که ناظر به فرض خطای در اجتهاد است
* یا روایاتی که تعبیر خطای در اجتهاد در انها ذکر شده است

لذا عمده در بحث روایاتی است که عناوین خاص ندارد که دو روایت صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله به دو سند و صحیحه زراره است که این دو روایت مستمسک کسانی است که قائل به اطلاق هستند و حال باید دید این روایات هر سه عنوان را شامل می شود یا اینکه باید برخی از موارد را بايد از این اطلاق خارج کنیم.

1. شنبه،7 مهرماه1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. مصباح الفقیه، جلد: ۱۰، صفحه: ۱۷۶ [↑](#footnote-ref-2)
3. مصباح الفقیه، جلد: ۱۰، صفحه: ۱۷۶ [↑](#footnote-ref-3)
4. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۶، صفحه: ۲۰۲ [↑](#footnote-ref-4)